

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بهرام قدیمی  
۱۰ سپتمبر ۲۰۲۲

## مصاحبه با مژگان نوی



رئیس هیأت مدیره مرکز اطلاعات برای حقوق بشر در مناطق اشغالی - بتسیم<sup>(۱)</sup>

قاعده بر آن است که هر کشوری برای خود دولتی دارد که با در دست داشتن انحصار خشونت، قدرت سیاسی را در خدمت طبقه حاکم اعمال می‌کند؛ ارتش و دستگاه پولیس از اساسی‌ترین ابزار این اعمال قدرت هستند؛ اما در اسرائیل، این ارتش است که دولت را در اختیار خود دارد. تمام ساختار کشور نظامی‌ست و همین ساختار است که حفظ و اجرای آپارتاید حاکم بر قوانین و جامعه را تضمین می‌کند. در کشورهای به اصطلاح متمدن غربی، تبلیغات اسرائیل آنچنان یک جانبه در مطبوعات انعکاس می‌یابد که تو گوئی فلسطینیان بودند که اسرائیل را اشغال کرده‌اند؛ هیچ صدای مخالفی نباید شنیده شود! با این وجود، همواره صدای اعتراض یهودی‌تبارانی به گوش می‌رسد که جانبدار حقوق برابر بین اسرائیلی‌ها و فلسطینیان هستند. آن‌ها واقعیات حاکم بر جامعه اسرائیل را به پڑواکی تبدیل می‌کنند که در آن سوی جهان نیز به گوش می‌رسد. ما نیز سراغ وجدان‌های بیدار اسرائیلی می‌رویم، مژگان نوی، یکی از این وجدان‌هاست که با شجاعت بسیار جانبدار حقانیت قضیه فلسطین و دشمن مصمم آپارتاید اسرائیل است

ب ق

- اجازه بدهید قبل از این که به صحبت در مورد کارتان بپردازیم، کمی از خودتان حرف بزنیم. آیا شما در اسرائیل متولد شدید؟ اگر نه، از کجا و در چه زمانی به اسرائیل مهاجرت کرده‌اید؟

من متولد ایران، تهران هستم. ما اواخر جنوری ۱۹۷۹ در گرماگرم انقلاب به اسرائیل مهاجرت کردیم. یعنی دقیقاً همان روزی که شاه ایران را ترک کرد ما هم ایران را ترک کردیم.

هنگام مهاجرت از ایران من هشت سال و نیم داشتم و به عنوان یک کودک طبیعتاً مفهوم عمیق انقلاب و این جنب و جوش‌ها و این که مردم چه می‌خواهند را به صورت خیلی سطحی درک می‌کردم، یعنی تنها می‌فهمیدم که وضع

خیلی عوض شده. مسأله مهاجرت ما هم خیلی زود انجام شد، یعنی در واقع مهلتی نبود برای این که پدر و مادر به صورت آرام و عمیق با ما صحبت کنند تا ما بدانیم چرا از کشورمان می رویم یک جای دیگر.

- شما بعد از مدتی فعالیتتان را در بتسیلم شروع کردید. از چه زمانی و در حال حاضر چه مسؤولیتی در آن دارید؟  
فعالیت من در بتسیلم فقط یک جزء از فعالیت‌های سیاسی و حقوق بشری‌ام است و در واقع یک جزء متأخرتر. من به‌عنوان یک فعال سیاسی بیشتر از بیست سال است که فعالم؛ چه در شغلم [روزنامه‌نگاری] و چه در فعالیت‌های عدالت طلبانه و در مؤسسات حقوق بشر و چپ سیاسی. من هفت سال است که در مدیریت بتسیلم هستم و الان هم همان‌طور که گفتید از ۱۹ جنوری ۲۰۲۲ ریاست مؤسسه را به عهده گرفته‌ام. هیأت مجریه یک ساختاری است که خود مدیر کل این مؤسسه را به نوعی همراهی می‌کند: مثلاً نظارت می‌کند که اهداف علنی مؤسسه پیش برود، که کار مؤسسه طبق این هدف‌ها جلو برود و یا هر جور کمک دیگری که مدیر مؤسسه لازم داشته باشد. یعنی نوعی پشتیبانی که هم نظارت می‌کند و هم کمک به پیشرفت کار.

- امروز صبح در فیسبوکتان نگاه می‌کردم. دیدم که در شهر جنین بودید و وقتی برمی‌گشتید، در یک پست کنترل مدت زیادی معطلتان کردند. چرا؟

خب بتسیلم حدود یک سال و نیم پیش یک گزارش منتشر کرد که در آن تقریباً تمام مناطقی را که تحت تسلط رژیم اسرائیل است، به‌عنوان رژیم آپارتاید شناخت. آنچه برای من اتفاق افتاد اجرای همین آپارتاید است که یکی از معنایش جداکردن بر اساس هویت قومی مردم منطقه است. رژیم نمی‌خواهد که یهودی‌های اسرائیلی به‌عنوان انسان با انسان فلسطینی ملاقات کنند و رابطه دوستی داشته باشند. مناطق فلسطینی کرانه باختری به سه بخش تقسیم شده‌اند: مناطق C که تحت تسلط کامل اسرائیل هستند؛ مناطق B که تحت تسلط نظامی اسرائیل است و خدمات مدنی به عهده فلسطینی‌هاست؛ و مناطق A که شهرهای فلسطینی بزرگ کرانه باختری هستند مثل رام‌الله، بیت‌لحم، جنین، نابلس... که بر اساس قرار داد اسلو باید هم از نظر امنیتی و هم از نظر خدمات مدنی تحت تسلط کامل دولت فلسطین باشند. ولی اسرائیل طبق قانون برای یهودی‌های اسرائیل کاملاً غدغن کرده که وارد مناطق A بشوند و به نظر من این یک نوع قانون است که نه تنها هیچ نوع منطقی ندارد بلکه اگر منطقی در آن باشد، این منطق نگه داشتن و تقویت رژیم آپارتاید است. من خودم در شهر جنین آشنا و دوست دارم و به ملاقاتشان رفتم و موقع برگشتن برای سربازهای پست کنترل خیلی عجیب بود که یک زن یهودی تنها وارد جنین شده است. به خصوص این که دیروز صبح زود [۲۹ اگست ۲۰۲۲] ارتش اسرائیل مجدداً به جنین حمله و تیراندازی کرده و چند نفر را زخمی و دستگیر کرده بود و این‌طور روزها به‌طور طبیعی وضع حساس‌تر می‌شود. ولی خوب، برای سربازهای اسرائیلی و برای نود و نه درصد از یهودی‌های اسرائیل وارد شدن یک یهودی به مناطق فلسطینی، بدون اسلحه امر بسیار عجیبی است؛ و این امر به نظر من یک مصیبت است. چگونه به جایی رسیده‌ایم که اگر اسلحه روی مردم نکشیم نمی‌توانیم با آن‌ها ملاقات کنیم و با آن‌ها حرف بزنیم. تنها شیوه‌ای که برای روبه‌رو شدن با فلسطینی‌ها یاد گرفته‌ایم، به دست گرفتن اسلحه است.

- بتسیلم در سطح بین‌المللی سازمانی شناخته شده است ولی ایرانیان کمتر با کار آن آشنا هستند؛ ممکن است کمی در مورد تاریخ بتسیلم برای ما بگویند؟ از چه زمانی کارش را آغاز کرده، در چه زمینه‌هایی کار می‌کند و چه نیازی به چنین تشکلی وجود دارد؟

بتسليم يك سازمان اسراییلی است و تقريباً بيست و پنج سال پيش تأسيس شد. بعد از اشغال مناطق فلسطینی در ۱۹۶۷ در طول چندین و چند سال ادعای اسرانیل این بود که این یک وضعیت موقت است و با مذاکرات صلح بالاخره این مناطق در دست ما نخواهد ماند. اما با گذشت زمان بیشتر و بیشتر معلوم شد که اسرانیل به هیچ وجه قصد جدا شدن از این مناطق را ندارد بلکه هر بار شهرک‌های غیرقانونی بیشتری می‌سازد و اسراییلی‌ها را تشویق می‌کند که آنجا زندگی کنند و در عین حال این چیزی است که به دست آوردنش فقط با سرکوب بسیار سخت حقوق فلسطینی‌ها در منطقه ممکن است. بتسليم با این هدف تأسيس شد که اول از همه این نقض حقوق بشر مردم فلسطین در مناطق اشغالی را مستند کند.

آن را مستند کرد و به اطلاع جامعه اسرانیل رساند. آن موقع هنوز تا حدودی طرز فکر ما این بود که شاید اسراییلی‌ها نمی‌دانند در درون مناطق اشغالی چه می‌گذرد و سربازان و ساکنین مناطق اشغالی چه کار می‌کنند. اولین هدف این بود که این نقض حقوق بشر را مستند کنیم و به اطلاع مردم اسرانیلی برسانیم. بعد به مرور زمان از وقتی که اشغال این مناطق، هم خیلی وسیعتر شد و هم عمیقتر و خشن‌تر، ما هر سال چند گزارش می‌نویسیم. هر دفعه درباره موضوع بزرگ دیگری، مثلاً غصب اراضی فلسطینی. نه صرفاً اشغال، این که زمین را اشغال کردند جای خودش ولی بعد به‌طور قانونی اسرانیل خودش را صاحب این زمین‌ها می‌کند و مالکان اصلی ملکشان را از دست می‌دهند.

#### -یعنی به لحاظ قانونی این زمین‌ها را به نفع یک اسرانیلی مصادره می‌کنند؟

بله دقیقاً. مثلاً مصادره زمین‌ها و مسأله آب که در این منطقه تبدیل به یک مسأله بسیار بحرانی شده است. این یکی از قسمت‌های مهم کار بتسليم است: یعنی نوشتن گزارش در مورد مسائل بزرگ. یکی از کارهای ما این است که با دیپلمات‌های بین‌المللی همکاری کنیم تا در مورد چیزهایی که به نظر ما آن‌ها باید بدانند، اطلاعات واقعی به دست‌شان برسد؛ تا در زمان تعیین سیاست‌های‌شان نسبت به اسرانیل، این اطلاعات را هم در نظر داشته باشند.

-آیا فکر می‌کنید که گزارش‌های شما یکی از عواملی بوده که بسیاری از آن‌ها و مجامع بین‌المللی، اسرانیل را

#### به‌عنوان رژیم آپارتاید به رسمیت شناختند؟

بدون شک تأثیر خیلی بزرگی داشته؛ یعنی باید بگویم که قبل از بتسليم مؤسسات فلسطینی بودند که در مورد اسرانیل به‌عنوان یک کشور تحت آپارتاید صحبت می‌کردند ولی خوب، نام بتسليم در حوزه‌های بین‌المللی شناخته شده بود و موقعیت آن در این حوزه‌ها طوری بود که وقتی ما علناً اسرانیل را به‌عنوان یک رژیم آپارتاید خطاب کردیم، دیگر این یک اصطلاحی شد که حوزه حقوق بین‌المللی استفاده از آن را شروع کرد. بعد از بتسليم، سازمان عفو بین‌الملل [امنستی] هم چیزی شبیه همین منتشر کرد. سازمان دیدبان حقوق بشر [هیومان رایت واچ] یکی دیگر از سازمان‌های بزرگ بود که بعد از بتسليم این کار را انجام داد و چندین و چند مؤسسه دیگر... بدون شک بتسليم اولین قدم‌ها را برداشت.

#### -آیا شما با گروه‌ها و سازمان‌های فلسطینی ارتباط دارید و همکاری می‌کنید؟

بله بسیار زیاد. یعنی سر هر موضوعی اگر قرار به همکاری باشد، طبیعتاً مؤسسات حقوق بشری فلسطینی یکی از مهم‌ترین آدرس‌هایی است که ما برای همکاری داریم. نمی‌دانم آیا شما هم خبر دارید یا نه که اسرانیل اخیراً شش سازمان حقوق بشر فلسطینی را به‌عنوان مؤسسات تروریستی ارزیابی کرده و آن‌ها را تعطیل کرده است. بتسليم از همان اول

به صورت علنی گفت که اینها همکاران ما هستند و ما همکاری‌مان را با آنها ادامه خواهیم داد و از آنها پشتیبانی می‌کنیم. این یک جزء خیلی مهم از کار ماست.

-در مورد مقوله‌ای شنیده‌ایم که معروف است به «نرمالیزاسیون»؛ آیا شما هم در این مورد چیزی شنیده‌اید و آیا کسی

فعالیت شما در چارچوب همکاری با گروه‌های فلسطینی را به این اسم نمی‌نامند؟

ببینید گروه‌های فلسطینی درباره این که چگونه باید ضد اشغالگری و آپارتاید اسرائیل مقاومت کرد، نظرات گوناگون و خیلی متفاوتی دارند. هریک با دیگری فرق می‌کند و بدون شک این مسأله نرمالیزاسیون وجود دارد و حتما هستند گروه‌های فلسطینی که این نوع همکاری را خوب نمی‌بینند ولی معنای اساسی نرمالیزاسیون ربطی به مؤسساتی مثل بتسیلم ندارد. برای این که اولاً ما نماینده رسمی کشور نیستیم، بلکه کاملاً به عکس و ثانیاً، نمی‌خواهیم از همکاری با فلسطینی‌ها برای خوش‌بین‌تر کردن مردم نسبت به اسرائیل سوءاستفاده بکنیم. یعنی کسی که با ما همکاری می‌کند برایش واضح است که این اصلاً هدف ما نیست و نرمالیزاسیون در اساس ربطی به ما نباید داشته باشد. ولی کسانی هستند که ابداً و مطلقاً با هیچ آدم یا مؤسسه اسرائیلی همکاری نمی‌کنند و نخواهند کرد، حتی اگر به روشنی صهیونیست نباشند و ضد رژیم اسرائیل فعال باشند.

-آیا در راستای فعالیت‌های‌تان از جانب دولت اسرائیل فشارهایی را متحمل می‌شوید؟

دولت اسرائیل سال‌هاست که به صورت‌های مختلف سعی می‌کند کار فعالان حقوق بشر، یعنی مؤسسات و افراد را تا حدی که می‌تواند محدود کند و چند قانون هم تصویب کرده است تا مؤسساتی مانند بتسیلم را تحت فشار مالی قرار بدهد. ولی باید گفت که معنای دولت آپارتاید همین است که مثلاً مؤسسات فلسطینی را دولت اسرائیل به نام مؤسسات تروریست اعلام می‌کند، دفاترشان را می‌بندد و دستگیرشان می‌کند. ولی ما به‌عنوان اسرائیلی یهودی، حتی اگر رژیم ما خوشش نیاید، فقط به این خاطر که یهودی هستیم، تحت حمایت رژیم آپارتاید قرار داریم. این دقیقاً یکی از مزایایی است که رژیم آپارتاید به یهودیان می‌دهد: به خودش اجازه نمی‌دهد که همان عملیاتی را که ضد مؤسسات فلسطینی می‌کند ضد مؤسسات یهودی هم بکند. به این خاطر که این ضد منطق آپارتاید است. شاید روزی کار به آن جا هم بکشد. یعنی ما همیشه خودمان را برای روزی که شرایط سخت‌تر بشود حاضر می‌کنیم. شاید روزی واقعا دفترمان را ببندند یا شروع به دستگیر کردن فعالانش بکنند. ما خودمان را برای آن روز حاضر می‌کنیم ولی فکر نکنم که چنین روزی نزدیک باشد.

-بسیاری از افراد در اروپا، به‌خصوص دولت‌ها، جنبش بایکوت و عدم سرمایه‌گذاری در اسرائیل یعنی BDS را یک

حرکت یهودی‌ستیزانه [آنتی سمیت] ارزیابی می‌کنند. شما در این باره چه نظری دارید و چرا؟

این را باید گفت که موضوع فقط بی‌دی-اس نیست، بلکه دولت اسرائیل از زمان استقلالش، یادبود هولوکاست را تبدیل به یک چوب سیاسی کرده‌است که بر سر این و آن می‌زند. هم یک چوب که با آن بر سر دیگران می‌زند و هم یک پرده که پشتش جنایات خودش را پنهان می‌کند و این کار به حدی رسیده که هر انتقادی به سیاست‌های اسرائیل منجر به متهم شدن به آنتی سمیتیزم و... می‌شود و من این را باید بگویم، که به‌عنوان یک یهودی کمتر چیزی هست که بیشتر از این سیاست اسرائیل مرا ناراحت بکند. برای این که این واقعا لگدمال کردن یادبود بزرگترین فاجعه‌ای است که برای قوم من اتفاق افتاده و تبدیل کردنش به یک ابزار که با آن می‌شود دیگران را آلت دست کرد؛ واقعا از این جنبه برای من

به‌عنوان یک یهودی خیلی دردناک است. برای این که یهودی‌ستیزی [آنتی سمیتیزم] واقعی در جهان وجود دارد و بزرگ می‌شود ولی با این سیاست‌ها اسرائیل هیچ مبارزه‌ای با یهودی‌ستیزی واقعی نمی‌کند و این را فقط به یک چوب سیاسی تبدیل کرده است و هم‌زمان رهبران بین‌المللی را که به گروه‌های یهودی‌ستیز خیلی نزدیک هستند به‌صورت علنی به‌عنوان میهمان دولت اسرائیل دعوت می‌کند. چون می‌تواند به آن‌ها اسلحه بفروشد و معاملات نظامی کند. پس [دولتمردان] چشم‌شان را روی یهودی‌ستیز واقعی می‌بندند، چون منفعت مالی در این معامله‌ها با این رهبران یهودی‌ستیز است. ولی فعالان حقوق بشر را به‌عنوان یهودی‌ستیز قلمداد می‌کنند و آن هم باز برای منافع سیاسی خودشان.

- بنابراین اگر به نظر شما کار بی‌دی-اس درست است آن‌گاه آن‌هایی که طرفدار بی‌دی-اس هستند، رابطه شما به‌عنوان یک گروه اسرائیلی با فلسطین‌ها را چگونه توجیه می‌کنند؟

کار بتسلیم هیچ ربطی به بی‌دی-اس ندارد. بی‌دی-اس به این معنا نیست که هرچیز اسرائیلی را باید تحریم کرد. شاید کسانی هستند که این‌طور تفسیر می‌کنند. ولی این تفسیر اشتباهی از فکر سیاسی بی‌دی-اس است. بی‌دی-اس ربط دارد به آن نوع همکاری که اسرائیل از آن منفعت تبلیغاتی یا هر نوع منفعت دیگری به‌دست می‌آورد و ربطی به بتسلیم ندارد. در عین حال اگر فلسطینی‌هایی هستند که بی‌دی-اس را این‌جور ترسیم می‌کنند که اصولاً هیچ رابطه‌ای، اصلاً و ابداً با هیچ مؤسسه اسرائیلی نباید داشته باشند، ما به آن‌ها هم کاملاً احترام می‌گذاریم و آن‌ها را می‌فهمیم. زیرا ما اصلاً نمی‌خواهیم به مردم تحت اشغال بگوئیم باید چه طوری مبارزه کنند و این کار در اختیار هر فلسطینی است.

- ارزیابی شما از وضعیت افکار عمومی درون اسرائیل در رابطه با قضیه فلسطین چیست؟ آیا به نظر شما می‌توان هنوز رویای صلح بین دو ملت و طرح تشکیل دو دولت را پروراند؟

این دو مسأله متفاوت است. یعنی من نمی‌دانم برپا کردن دو دولت مستقل عملی هست یا نه، ولی به نظر من فشار بین‌المللی باید برای پایان یافتن سرکوب و اشغال‌گری مناطق فلسطینی باشد؛ توقف ساختن شهرک‌های غیرقانونی؛ توقف عملیات ارتشی و نظامی اسرائیل در منطقه. حالا یک دولت باشد یا دو دولت، ما به‌عنوان مؤسسه حقوق بشر هیچ موضعی نداریم که به چه صورت باید این درگیری تمام بشود. ما تمام نگرانی‌مان این است که نقض حقوق بشر باید متوقف بشود و این‌کار بدون پایان بخشیدن به آپارتاید و اشغال‌گری مناطق فلسطینی عملی نمی‌شود.

- جالب است بدانیم مردم عادی در اسرائیل نسبت به افرادی مثل شما چه فکر می‌کنند؟ منظورم گروه‌های راست افراطی در اسرائیل نیست، بلکه مردم به‌طور عموم وقتی می‌شنوند شما از حقوق ملت فلسطین دفاع می‌کنید، با شما چطور رفتار می‌کنند؟

فکر می‌کنم افرادی مثل من که به‌صورت علنی خودمان را یهودی غیر صهیونیست در اسرائیل می‌دانیم، کمتر از یک درصد از جامعه هستیم و همان‌طور که می‌توانید تصور کنید، برخورد خیلی مثبتی با ما ندارند. من روزنامه نگار هستم و مقاله که می‌نویسم، خیلی عادی است که ده‌ها کامنت می‌گذارند که تو جاسوسی، تو دشمنی، دشمن داخلی هستی. تو را باید این‌کار و آن‌کار کرد، باید تو را از کشور بیرون کرد و... از این حرف‌ها زیاد است ولی باز هر دفعه به خودم یادآوری می‌کنم که هنوز با تمام این برخوردها، وضعیت من خیلی خیلی بهتر و امن‌تر از وضعیت تمام دوستان

فلسطینی‌ام است که بر سر آن‌ها هرچه بخواهند می‌توانند بیاورند، اما به سر من به‌عنوان یک زن یهودی نمی‌توانند بیاورند.

- شما با توجه به تجربه‌تان، در این شرایط چه دورنمایی را برای فعالیت بتسلیم و ورائ آن برای کل منطقه (یعنی اسرائیل و فلسطین) می‌بینید؟

ببینید ما سال‌های سال واقعاً فکر می‌کردیم که اگر این اطلاعات را به دست جامعه یهودی اسرائیلی برسانیم، آن‌ها را قانع می‌کنیم که این وضع به نفع خود ما هم نیست، یعنی به نفع هیچ کس نیست. چرا ما خواهیم که بچه‌ها و نوه‌هایمان را هم بفروستیم که سرباز بشوند و یک ملت دیگر را سرکوب کنند؟ به‌خاطر این که تا وقتی اشغالگری ادامه دارد، مقاومت فلسطینی‌ها هم ادامه خواهد داشت. این چیزی بود که ما مطمئن بودیم که بالاخره یک روزی اسرائیلی‌ها متوجهش می‌شوند و می‌فهمند و سیاست را عوض می‌کنند. ما الان به جایی رسیده‌ایم که می‌فهمیم طرز تفکر جامعه اسرائیلی فقط به سمت راست سیاسی پیش می‌رود و به‌صورت خیلی سریع طرز تفکر عمومی به طرف خشونت بیشتر، سرکوب بیشتر، بیشتر سرزمین گرفتن، بیشتر شهرک‌های غیرقانونی ساختن و... می‌رود. اگر من امروز بخواهم آینده‌ای را تصور بکنم، تنها با امید به این است که جامعه بین‌المللی بفهمد که دیگر از این حد بیشتر دفاع کردن از اسرائیل، شرکت در جنایات اسرائیل است و به‌خاطر حق هر دو مردم: هم فلسطینی‌ها و هم اسرائیلی‌ها، باید روی اسرائیل فشار بیاورند تا مجبورش کنند تا از این سیاست‌ها خودداری بکنند. یعنی باید اسرائیل را به جایی برسانند که دیگر برایش منفعت نداشته باشد که این سرزمین‌های اشغالی را در دست داشته باشد و چند میلیون فلسطینی را هر روز زیر پا له کند. برای این که برای اسرائیل الان خیلی پر منفعت است. و کسی که می‌تواند اسرائیل را قانع کند که به نفعش نخواهد بود، فقط جامعه بین‌المللی است.

اجازه بدهید یک چیز به‌عنوان یک ایرانی به شما بگویم: برای من خیلی طول کشید تا بفهمم که من به‌عنوان یک ایرانی که در نه سالگی به‌عنوان مهاجر از ایران به این سرزمین آمده، حتی قبل از این که پام را از هواپیما بیرون بیاورم و بگذارم روی زمین، در این کشور حقوق بیشتری داشته‌ام تا یک خانواده فلسطینی که صدها سال اینجا زندگی می‌کرده است. این مرا در یک جایگاه استعمارگر [کولونیالیست] می‌گذارد. با تحت اشغال بودن، آدم احترامش را از دست می‌دهد، ولی اشغالگر بودن هم هیچ احترامی ندارد. یعنی واقعاً برای خود ما یک چیز بسیار خجالت آور است، اگر می‌خواهیم یک چیزی از بشریت خودمان را نجات بدهیم، مجبوریم با این وضعیت مبارزه بکنیم.

«تا در همه جهان یکی زندان هست، در هیچ کجای عالم آزادی نیست.»<sup>(۱)</sup>

- از شما خیلی سپاسگذارم مطمئن باشید که باز هم به سراغ‌تان می‌آیم.

(۱) - Interview with Orly Noy, chair of the board of B'Tselem – The Israeli Information Center for Human Rights in the Occupied Territories.

Left-wing Mizrahi activist, writer and editor on the web-based blog magazine +972, translates Farsi poetry and prose into Hebrew.



<https://www.btselem.org>

(۲) - اسماعیل خوئی: یک تکه‌ام آسمان آبی بفرست، ص ۱۶:  
«با یک دل غمگین به جهان شادی نیست. تا یک ده ویران بُود آبادی نیست.  
تا در همه جهان یکی زندان هست، در هیچ کجای عالم آزادی نیست.»  
۳۰ اگست ۲۰۲۲